

سعادت انی و رفیع و ولایت اهل ایمان که شعله شکر اسلام منشع
 اولوب بین الملوک کند و اینی تو اولامیرا میرا شریف و یکدیگر به با املدی که
 کانی ذات سعادت بنای شوی از آن و صفای دورا که صحبت اند
 بو طایفه که میان و رفت ایدر روی و کند واری و حی احسانا که می با هم
 در منده و ولوب استغفار و در لایدی و بوزیر و عقیده الطاف علیدی
 کامل و یکجا و در مزاج سیدری شامل ولوب تصرف مناصب مرا بنده
 قبله آید که یک قیام از راستی معین و مقرر ایدی تو بر ایدی
 استغفار اول بادشاه کردون و قار وانی ولایت و خطا قلم کردار که عیانت
 بکرم باره لیدی خجور و سبک
 سید کا لیدی لیدی و در کس
 ای کورم کون بو تونه قشوقه در و ک
 سابقا می صون کیروم لاله زار الدین
 خزان او علی الحیضه متاوره کین دیش و سبک
 ایدر مش اول و ثانی خلافت و بر سر کفره بره قمر ایدی
 سلطان بابیر سلطان علیه الرحمه اول حضرات عالیات سوده صفات
 بر سیدی بی بادشاه خدیوین نشین و خاقان سکندر انشین بر سر سلطنت
 جهان داری جمال باکمال خلافت سنجاری داری عدالت و در شش رعیت
 بر روز خاقان سبزه سیر و ثوابت کنگر عنوان منشور خلافت و زمان
 فرمای قلم وجود یافت سلطان نوابت نبات و خورشید نشینت
 پیشه انشراح ارکان احسان و وحدت مبدع مکارم جزلیه و بلایع بیغیه
 سطح انوار کلام جوامع انا جعلناک خلیفه فی الارض یعنی رفات سینه صفات
 ملوک سوارف طغیاری زینت ارای بر ایغ بلایع جعلناک خلیفه سبها عدل
 و انصاف که بر نور افشانی و خاتمه زهد و صلواتی با برید ثانی اولان
 سلطان سلاطین ایمان با سطر لسطا الاحسان رافع الیه العدل
 و الانصاف قاطع افانین العلم و الاخیاف مع اولیا الدین بعزته الباهره

نور سلطان

مزل

عدل عداء الیسلطوه الفاره الخاقان السعید حضرت سلطان با نیرید
 تقی لیدراره و جعل کجا بر کسان تقبله و شواه خدیویدر که شخص شرفی عدلی در
 سر بادشاه سعادت و سبکگاه و بر نه پیشاه عدالت شاه ایدی که رفقه استقامت
 لور کسیر و نظاطی و شرف معارف ملوک کاف دره الهج انقادی و سبایعی ایدی
 آفتاب عدل و رفائی که بر سلطنت خاتمه ان سارق و طار اولت عدلی معارف جمله
 خلافته باوق و لایع همیشه خیر صیرطیف و کرم و حدیث حسن ششم ارایع اصفا
 جمله با دره متصل الاستاد و معتقد و انار الطاف فی شماری بیج قیامت منطقی
 کبی مدال مع مهران اولوب صومعه قطار اقالیم سعید بر ارایع انعام عالی الیه معطر
 و محافل و سزا عالی و اناسا قش علی استغفار و انصاف کامل و توادل بی حسن و صفات
 لطفه سالی ایدر اولت عدلی بجه نبویه یک علیه فضل الصلوات و احوال الحیات
 سینه ست و قیامین و محامایه سنده خات غرت قیام **تونی الملك** مشان
 منشور سلطنت امانت نامزد و ات بر عالی ولوب بر سر سلطنته طوی سعادت
 تا کوسلری اولت عدلی بجه زراک عالم ان امان اوزره فرمان فرمای جهان اولوب صلیق
 عا ایت سیدار لیده عقوده و برکت عدل و وادله شته و شور و قشود و فساد و بیزده
 کین او احرانام سلطنت بنده مقتضای سلیقت بوزره اعلان عالم مانند دم
 و ناعت حیانت جمله عالم اولون حرارت سیز بیلری مقصان بیزره و بای مبارک کوی
 مرتضی نرسیل اعلی اولوب تکا و المین که وادله و جنگه بیکاره سوار اولمعه همیشه
 فساد و خداعته مخفی اولان شغال سیز بوزر شیه و لکه کیم با تسلیم سده
 تا جوج قشوقه اولان تیغ خوشن فلک سینه مر و در ایام دهور که فی الحقیقه قشوقه
 کلکین سیل عرب و حطوب لکال و زوداده جاری اولوب و عواصف ریح
 فتنه و فساد اغویا و انجا و لاده مبارک اولت عدلی سناه علی کند ولری حسن
 اختیاری ایل اولی شهنشاه سلطان احمد که ولعهد قشوقه و کا اولت تسلیم
 قصیر قشوقه سیدی سلطان احمد بی اول زور لجه جوار کله لاله مال دینی و کله
 اشتی بکری اولان مرصعه نزول بدوب مرصده و ترف و حصول مانول الحقیقه
 کس تقدیر مالک ملک قدر ایلد برای و تدبیری مؤلف تقدیر اولوب چنگر
 شاه سلطنتی و انعمش چون دست از روی نهی در ایدر دی تیغ عواصم و

موانع